نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوجین ۲۰ تا ۴۰ ساله

شهناز محمدی[۱]، تینا باباپور[۲]، فرشید علی‌پور[۳]

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۲۵ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوجین ۲۰ تا ٤٠ ساله بود. روش تحقیق توصیفی همبستگی بود، ۱۲۰ نفر (٦٠ مرد، ٦٠ زن) با نمونه‌گیری هدفمند و لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند، از پرسش‌نامه‌های هویت برزونسکی، شخصیتی نئو فرم کوتاه و تعارضات زناشویی براتی و ثنایی برای گردآوری اطلاعات استفاده گردید، برای تجزیه تحلیل داده‌ها نیز از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج نشان داد که از میان پنج عامل شخصیت، سازگاری، وظیفه‌شناسی و نوروز گرایی توانایی معناداری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشتند، همچنین از میان سبک‌های هویت نیز سبک هویت اطلاعاتی توانایی معناداری برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشت. از یافته‌های پژوهش می‌توان در برنامه‌های درمانی و پیش‌گیری برای کاهش تعارضات زناشویی بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت، پنج عامل شخصیت، تعارضات زناشویی.

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Smohammadivvv@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

مقدمه

عوامل زیادی می‌توانند کیفیت روابط بین زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهند یکی از این عوامل تعارضات زناشویی است. تعارضات زناشویی را می‌تواند به‌عنوان یک حالت تنش و استرس بین زوجین محسوب کرد. گاهی یکی از زوجین از زندگی خود رضایت دارد اما دیگری در نارضایتی به سر می‌برد. زن و شوهر با عقاید، ارزش‌ها، نیازها، تمایلات و عادت‌های متفاوتی می‌باشند که در کنار یکدیگر قصد ادامه زندگی رادارند، با توجه به رسانه‌های ارتباط‌جمعی که امروزه در تمامی جوانب زندگی نفوذ کرده‌اند تعارضات زناشویی گاهی اجتناب‌ناپذیر است (تورولونلک[۱]، ۲۰۱٤) تعارضات زناشویی پدیده‌ای است که در کشورهای درحال‌توسعه روزبه‌روز بیشتر می‌شود و توجه روزافزونی را می‌طلبد این پدیده عواقب متعددی مانند کاهش بازده تحصیلی فرزندان، خشونت‌های فیزیکی، اختلالات روان‌پزشکی ارتباط دارد (موکاسما و سایسفورد[۲]، ۲۰۱۳) این پدیده رابطه قدرتمندی با پرخاشگری، بزهکاری، رفتارهای پرخطر و اعتیاد در فرزندان دارد (اسچوبل، روت، الیوت، چین، مراگ، شیپ و اچاستر[۳]، ۲۰۱۲). تعارضات زناشویی با تولد فرزند، اختلاف مذهب، اختلاف خلق‌وخو و با تفاوت در عقاید و هدف‌ها می‌تواند به وجود آید و یا حتی تشدید شود. تعارض زناشویی ریسک فاکتور سلامت روان ضعیف در زوجین و فرزندان است (ایگبو، گریس، کریستیانا[٤]، ۲۰۱۵) هنوز مکانیسم‌های زیربنایی این تأثیر به‌خوبی مشخص نشده است (گئورگ، فایرچیلد، مارک کامینگز و دیویس[۵]، ۲۰۱٤). یکی از عواملی که با تعارضات زناشویی مرتبط است شخصیت است، شخصیت از عوامل تعیین‌کننده‌ی واکنش‌های ماتحت شرایط استرس آمیز است شخصیت به‌عنوان شیوه‌ی فکر، احساس و رفتار که ما را از دیگران متمایز می‌کند تعریف‌شده است (شویتا و

۱ .Tolorunleke
۲ .Mukashema, & Sapsford
۳ .Schwebel, Roth, Elliott, Chien, Mrug, Shipp, Schuster
٤ .Igbo, Grace, Christiana
۵ .George, Fairchild, Mark Cummings, Davies

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

لونسون[۱]،۲۰۰۷)، شخصیت با تفاوت‌هایی که در هیجان و شناخت باعث می‌شود، می‌تواند از عوامل مستعد کننده ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی محسوب شود (فاولس، ۱۹۹٤؛ به نقل از علی پور، حسنی، سعید پور، ۱۳۹٤). شخصیت می‌تواند عامل مهمی در شرایط پراسترس باشد و موجب پاسخ‌های متفاوتی بشود، «شویتا» بر این نکته تأکید دارد که رضایت و تعارضات زناشویی بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی دریافت می‌کند؛ و شناخت هر چه بیشتر تیپ شخصیتی خود و همسر ازجمله عواملی است که می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی مفید واقع شود (شویتا و لونسون، ۲۰۰۷). پیوند میان ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها با میزان سازگاری آن‌ها در روابط زناشویی‌شان به این دلیل است که جنبه‌ها یا ابعادی از ویژگی‌های روانی–شخصیتی افراد می‌تواند به‌سان یک عامل تنش‌زا در لحظه‌لحظه زندگی و روابط زناشویی آن وارد عمل شود. از طرف دیگر هر یک از ویژگی‌های افراد، الگوهای خاص رفتاری و عملکردی را تحمیل می‌کند. مدل پنج عامل شخصیت نیز یکی از مدل‌های شخصیتی است که در تعارضات زناشویی موردبررسی و پژوهش قرارگرفته است (ایگبو و همکاران، ۲۰۱۵). درمجموع الگوی پنج عامل شخصیت، یک سنخ شناسایی فراگیر و دربرگیرنده پنج عامل نسبتاً پایدار گشودگی در برابر تجربه، وظیفه‌شناسی، برون‌گرای، سازگاری و نوروز گرایی است (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲: به نقل از محمدی، ۱۳۸۹) این مدل شخصیتی در پژوهش‌های قبلی برای بررسی تعارضات زناشویی و پیامدهای تعارضات زناشویی مانند مشکلات تحصیلی، رفتاری و روان‌شناختی کودکان موردبررسی قرارگرفته است (وریجموت، مونبالیو، لاگاست و پرینزی[۲]، ۲۰۱۲). شخصیت می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد و سازگاری ما داشته باشد (محمدی، مقصودی، ۱۳۹۰). حتی شخصیت در بیماری‌های پزشکی نیز مؤثر است و از عوامل آسیب‌پذیری جهت ابتلا به بیماری‌های پزشکی است (علی پور، حسنی، سعید پور، نشریه، ۲۰۱۵)، در

۱ .Shiota & Levenson
۲ .Vrijmoeth, Monbaliu, Lagast, Prinzie,

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

پژوهش‌های قبلی رابطه بین ابعاد پنج عامل شخصیت و سلامت روان موردبررسی قرارگرفته است که مشخص گردیده نوروز گرایی و برونگرایی توانایی پیش‌بینی سلامت روان را دارا می‌باشند (محمدی ۱۳۸٦)، نوروز گرایی و برونگرایی ارتباط زیادی با مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی دارد، برای مثال نوروز گرایی با اضطراب و افسردگی رابطه مثبتی دارد که همین عامل می‌تواند به‌عنوان ریسک فاکتوری برای شروع و یا تشدید تعارضات زناشویی باشد (امیری، فرهودی، عبدلوند و بیداکاویدی، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تعارضات زناشویی، هویت است (حسینی، ۱۳۸۸). هویت یک رویداد مهم در رشد شخصیت هر فردی است و ترکیبی است از مهارت‌ها و باورها و همانندسازی‌های دوران کودکی که درواقع بنیادی برای رشد روانی اجتماعی و ارتباطات بین فردی است. سبک هویت مربوط است به اینکه چگونه افراد به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و از آن‌ها استفاده می‌کنند، سبک هویت، معرف راهبرد مسئله یا سازوکار مقابله است، سه سبکی که برزونسکی[1] به معرفی آن‌ها پرداخت، عبارت‌اند از: ۱ـ سردرگمی/ اجتنابی ۲ـ هنجاری شده ۳ـ اطلاعاتی است (برزونسکی، ۲۰۰٦). شکل‌گیری هویت فرد را برای چالش‌های مهم در جوانی مثل ایجاد صمیمیت و مشارکت در روابط با دیگران آماده می‌سازد. اریکسون این استدلال را مطرح می‌کند که فرد بعد از تثبیت حس معقولانه هویت می‌تواند صمیمیت بالیده و حقیقی را با شخص دیگری تجربه کند، زیرا که برای شروع یک رابطه نزدیک‌بین دو نفر باید ابتدا هویت هر یک‌شکل گیرد. بدون صمیمیت افراد قادر نخواهند بود خود را به یک پیوند استوار متعهد سازند (مونتگومری[2]،۲۰۰۵). هویت درواقع کارکرد خودتنظیمی دارد هویت با ارائه حس انسجام، تداوم و پایداری، ایجاد هماهنگی میان ارزش‌ها و انتخاب‌ها، حس یکپارچگی بین گذشته،

۱ .Berzonsky
۳. Montgomery

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

حال و آینده و نیز ایجاد هدف نقش کلیدی در سازگاری ما دارد (لیوکس، لنز، اسمیت و گوسنز[۱]، ۲۰۱۰) هویت با انواع متفاوتی که می‌تواند داشته باشد نقش اساسی در سازگاری ما در روابط بین فردی ایفا می‌کند یک از این روابط که می‌تواند مهم‌ترین نوع رابطه برای فرد باشد روابط بین زوجین است، در پژوهش‌های قبلی مشخص‌شده است که شباهت‌های هویتی با رضایت زناشویی بیشتر رابطه دارد و هویت‌های بهنجار و ایمن با سازگاری بیشتری در زندگی همراه است (آیالا، دالوه[۲]، ۲۰۱٤).

تعارضات زناشویی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد مشکلات و پیامدهای منفی در بین زوجین است که می‌تواند منجر به طلاق شود که در صورت وجود فرزند، این ضلع سوم رابطه هم از آسیب‌های تعارض زناشویی در امان نخواهد ماند و آسیب‌پذیری بالایی برای انواع اختلالات روان‌پزشکی و جسمی را پیدا خواهد کرد (فرانکل[۳] و همکاران، ۲۰۱۵). بر همین اساس با توجه به‌ضرورت شناخت هر چه بیشتر عوامل مرتبط با تعارض زناشویی، در این پژوهش بر آن شدیم تا نقش رگه‌های شخصیت و سبک‌های هویتی را در رابطه با تعارضات زناشویی مشخص کنیم. در همین راستا در پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به فرضیات زیر هستیم:

آیا بین سبک‌های هویت و تعارضات زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین تیپ‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین سبک‌های هویت و تیپ‌های شخصیتی رابطه‌ای وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کل کارکنان متأهل سازمان وزارت نیرو و سازمان‌های وابسته منطقه غرب تهران که در محدوده

۱ .Luyckx, Lens, Smits, Goossens
۲ .Ayala & Dalouh
۳ .Frankel

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

سنی ۲۰-۴۰ بودند را تشکیل داد، برای انتخاب نمونه موردنظر از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده‌شده است که ۱۲۰ نفر (۶۰ مرد، ۶۰ زن) با لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج به پژوهش شامل عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، زندگی مشترک، حداقل گذراندن یک سال زندگی مشترک و رضایت آگاهانه وارد پژوهش گردیدند، درروند اجرای پژوهش، پژوهشگران حضور فعال داشتند تا از پاسخ‌های تصادفی جلوگیری و هرگونه سؤال آزمودنی را پاسخ دهند. از پرسش‌نامه‌ای زیر جهت گردآوری اطلاعات استفاده گردید:

پرسش‌نامه سبک هویت برزونسکی: این پرسش‌نامه ابتدا به‌وسیله برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، در امریکا طراحی شد و پس‌ازآن دوباره مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه حاوی ۴۰ گونه است که ۱۱ گونه آن به سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گونه به سبک هویت سردرگم / اجتنابی و ۹ گونه به سبک هویت هنجاری اختصاص دارد. همچنین برای مقیاس تعهد ۱۰ گونه منظور شده است (برزونسکی،۲۰۰۳). ضریب آلفای کرون باخ را برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۸، سبک هنجاری ۰/۶۱، سبک سردرگم/ اجتنابی ۰/۷۸ و برای تعهد ۰/۸۰ گزارش‌شده است. برزونسکی (۲۰۰۴) برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸) پاسخ‌های افراد را در سه سبک هویتی با روش تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واری‌ماکس با مؤلفه اصلی بررسی کردند. ضریب همبستگی بین عوامل به‌دست‌آمده به ترتیب عامل اول ۰/۷۹، عامل دوم ۰/۸۱ و عامل سوم ۰/۸۴ به دست آمد که همگی بالا هستند. آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۷۹/۰ به دست آمد.

پرسش‌نامه شخصیتی کاستا و مک کرا NEO-FFI (۱۹۸۶): شامل ۶۰ سؤال است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات NEO-PI، به‌دست‌آمده است. این مقیاس شامل ۵ حوزه اصلی است که دربردارنده:I. روان گرایی (ii (N. برونگرایی (iii (E. انعطاف‌پذیری (iv (O. دلپذیر بودن v (A). وجدان‌مندی (C). کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرون باخ بین ۰/۶۸

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

(برای موافق بودن) تا ۰/۸٦ (برای روان آزرده گرایی) را گزارش کرده‌اند. هلدن (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷٦ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان آزرده گرایی) گزارش می‌کند. پرسش‌نامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۸۰/۰، ۷۵/۰، ۸۳/۰، ۷۹/۰ و ۷۹/۰ برای عوامل N E.O.A. C به‌دست‌آمده است، همچنین آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه در این پژوهش ۸۲/۰ به‌دست‌آمده است.

پرسش‌نامه تعارضات زناشویی: این پرسش‌نامه، یک ابزار خود گزارش دهی و شامل ٤۲ سؤال است که توسط براتی و ثنایی (۱۳۷۵) ساخته‌شده و اصول برای شناسایی ماهیت و میزان تعارض در روابط زناشویی مورداستفاده قرار می‌گیرد. این پرسش‌نامه ۷ بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. آلفای کرون باخ برای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۵۳ محاسبه‌شده است و برای ۷ خرده مقیاس به این شرح است: کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزندان ٦۰٪، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر ۰/٦٤، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/٦٤، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱ است (ثنایی،۱۳۷۹). در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه ۸۱/۰ به دست آمد.

یافته‌ها

همه افراد دارای تحصیلات بالای دیپلم بودند و بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

لیسانس بود. حدود ۳٤,۲ درصد از گروه نمونه در رده سنی ۲۸-۳۳ بودند که بیشترین فراوانی را داشتند و کمترین فراوانی در رده سنی ۳۷-٤۱ مشاهده شد که ۱٦,٦ درصد از گروه نمونه را به خود اختصاص داده بود. ازلحاظ درآمد ماهیانه نیز بیشترین فراوانی مربوط به درآمد ۱ تا ۲ میلیون تومان بود. بیشترین فراوانی مربوط به مدت ازدواج ۱ تا ۵ سال بود که ۳۹,۲ درصد را به خود اختصاص داده و کمترین میزان فراوانی در مدت ۲۰ تا ۲۵ که تنها ٤,۲ درصد از گروه نمونه را به خود اختصاص داده بود تعلق داشت.

در جدول یک شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مشاهده می‌گردد.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	میانگین	انحراف استاندارد
هویت اطلاعاتی	۳٦/۹۷	۱۱/۹۳٦
هویت هنجاری	۳۰/۲۸	۹/۸۰۸
هویت سردرگم	۲۷/۷۲	۱۰/۵٦۱
تعارضات زناشویی	۱۷/۸۱	۹/۷۹٤
گشودگی در برابر تجربه	۳۹/۳۵	۱۳/٤۲۹
وظیفه‌شناسی	۳٤/٤٦	۱۲/۹۲
برون‌گرایی	۳۷/۳٦	۱۳/٤۷۲
سازگاری	۳۳/۱۷	۱۱/۵٦٦
نوروز گرایی	۳۲/٤۵	۱۱/۳۸۸

در ادامه نتایج همبستگی متغیرهای پژوهش موردبررسی قرار گرفت که نتایج آن را در جدول دو مشاهده می‌کنیم.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	گشودگی در برابر تجربه	وظیفه‌شناسی	برون‌گرایی	سازگاری	نوروز گرایی	تعارضات زناشویی
هویت اطلاعاتی	۱۰/۰	٤۸/۰*	۲۷/۰	۲٤/۰	-۲۸/۰*	-۲۳/۰*
هویت هنجاری	۱۸/۰	۳۹/۰	۲۳/۰*	۲۸/۰	-۲۹/۰*	-۲٤/۰*
هویت سردرگم	-۱۲/۰	-۳۹/۰*	-۱۵/۰	-۰۵/۰	۱۹/۰*	۲۲/۰*
تعارضات زناشویی	-۲۵/۰	-۲۳/۰	-۲٦/۰	-۳۵/۰	۲۹/۰	---

*: همبستگی در سطح ۰۵/۰ معنادار است.

نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری، گشودگی در برابر تجربه، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و سازگاری همبستگی منفی با تعارضات زناشویی داشتند و هویت سردرگم و نوروز گرایی همبستگی مثبتی با تعارضات زناشویی داشتند.

همچنین نوروز گرایی با هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی منفی و با هویت سردرگم همبستگی مثبتی داشت؛ و نیز گشودگی در برابر تجربه، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و سازگاری با هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی مثبت و با هویت سردرگم همبستگی منفی داشتند.

در ادامه پس از بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنف، به‌منظور بررسی نقش سبک‌های هویتی و پنج عامل شخصیت در پیش‌بینی تعارضات زناشویی، از مدل رگرسیون چند متغیره گام‌به‌گام استفاده شد. درروند اجرای هرکدام از مراحل مدل رگرسیون چند متغیره گام‌به‌گام، کلیه پیش‌فرض‌های موجود

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

(آزمون دوربین واتسن برای بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل و عامل تورم واریانس برای بررسی هم خطی) موردبررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از رعایت این پیش-فرض‌ها بودند. نتایج آزمون دوربین–واتسن (۸۱/۱) به‌منظور بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل (۰/۵۰) و عامل تورم واریانس (۱/۸۵) برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین، بیانگر رعایت این مفروضه‌ها است.

جدول ۳ تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای تعارضات زناشویی بر اساس پنج عامل شخصیت

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R۲	R۲ تعدیل شده	df	ضریب F	β استاندارد	Beta	T	معنی‌دار
۱	سازگاری	۰/۳۸	۰/۱٤	۰/۱٤	(۱–۱۱۸)	۲۳/۱٤**	۰/۳٦–	۰/۰۹–	٤/۹٦–	۰/۰۰۰
۲	سازگاری	۰/٤٥	۰/۲۰	۰/۱۹	(۱–۱۱۷)	۱۸/٤۷**	۰/۳۳–	۰/۰۸–	۳/۸۷–	۰/۰۰۱
	وظیفه‌شناسی						۰/۲۸–	۰/۰٥–	۳/۰۸–	۰/۰۰۳
۳	سازگاری	۰/٤۷	۰/۲۲	۰/۲۰	(۱–۱۱٦)	۱۲/٤۲**	۰/۲۳–	۰/۰٥–	۲/٦۱–	۰/۰۰۹
	وظیفه‌شناسی						۰/۲۷–	۰/۰٤–	۳/۰۹–	۰/۰۰۳
	نوروز گرایی						۰/۱۳	۰/۰۳	۲/۱٤	۰/۰۳٤

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین سازگاری، وظیفه‌شناسی و نوروز گرایی ۰/۲۲ از واریانس متغیر تعارضات زناشویی را تبیین می‌کنند. در گام اول، سازگاری به‌تنهایی ۰/۱٤ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین کرد که با اضافه شدن وظیفه‌شناسی و نوروز گرایی این ضریب تبیین به ۰/۲۲ رسید. ضرایب بتا برعکس افزایش ضرایب R^2، در گام اول از ۰/۳٦– به ۰/۱۳– رسیده است. بر این اساس می‌تواند چنین استنباط کرد که بر مبنای ضرایب استاندارد رگرسیون (β)، از میان خرده مقیاس‌های پنج عامل شخصیت،

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

سازگاری با ضریب بتای ۰/۳۹- بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعارضات زناشویی دارد و پس‌ازآن وظیفه‌شناسی و نوروز گرایی قرار دارند.

جدول ٤ نتایج پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های هویتی را نشان می‌دهد. نتایج آزمون دوربین-واتسن (۲۳/۲) به‌منظور بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل (۰/۵۹) و عامل تورم واریانس (۱/٤۰) برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین، بیانگر رعایت این مفروضه‌ها است.

جدول ٤ تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های هویتی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	R^2 تعدیل‌شده	df	ضریب F	β استاندارد	Beta	T	معنی‌دار
۱	سبک هویت اطلاعاتی	۰/٤۳	۰/۲۲	۰/۲٦	(۱-۱۱۹)	۲۷/٤۳**	۰/٤٦-	٦۳/۰-	۳٦/٦-	۰/۰۰۰

نتایج جدول ٤ نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۲۲ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می‌کند. ضرایب بتا برعکس افزایش ضرایب R^2، ۰/٤٦- است. بر این اساس می‌تواند چنین استنباط کرد که بر مبنای ضرایب استاندارد رگرسیون (β)، سبک هویت اطلاعاتی با ضریب بتای ۰/٤٦- بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعارضات زناشویی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که از میان پنج عامل شخصیت، سازگاری، وظیفه‌شناسی و نوروز گرایی توانایی معناداری برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشتند که این یافته‌ها همسو با مطالعات قبلی (ایگبو و همکاران، ۲۰۱۵؛ هومبد[1] و همکاران، ۲۰۱۳؛ امیری و همکاران ۲۰۱۱) است. در تبیین این یافته‌ها می‌تواند گفت که روان رنجور خویی در برابر ثبات هیجانی قرار می‌گیرد و طیف وسیعی از احساسات منفی ازجمله اضطراب، غمگینی،

۱ Humbad

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

بدخلقی، تحریک‌پذیری و عصبیت را دربر می‌گیرد، هرن و میتچل[۱] (۲۰۰۳) به بررسی ارتباطات پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس پرداختند و مشخص نمودند که همبستگی منفی بین روان رنجور خویی و کاهش میزان سلامت عمومی وجود دارد. روان رنجور خویی با تعارض زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد (دونلن[۲]، کانگر[۳] و بریانت[٤]،۲۰۰٤؛ بارلدز،۲۰۰٦؛ فیشر و مک نالتی[٥]،۲۰۰۸) کاگلین، هوستون و هاوتس[٦] (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای ۱۳ ساله به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان رنجور خویی و رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران است؛ یعنی افراد روان رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند. کتل اعتقاد داشت افراد روان رنجور کمرو بوده، به‌طورکلی از ابراز احساسات خود جلوگیری می‌کنند. او همچنین معتقد بود سطح پایین قدرتمندی ایگو را دارا هستند، به این معنی است که آن‌ها به‌آسانی مغلوب عواطفشان شده، تحت تسلط خلقیاتشان بوده و قادر به سازگار کردن رفتارشان با موقعیت‌های مختلف نیستند. فراتر از همه افراد روان رنجور، اضطراب زیادی را تجربه می‌کنند، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که اضطراب ایجاد می‌کند نگرانی و اضطراب عملکرد است که زمینه‌ساز بروز اختلالات اضطرابی می‌گردد (علی پور، محمدی، ۱۳۹٤). روان آزرده خویی دربردارنده انواع هیجان‌های منفی مانند ترس، غم، خشم و برانگیختگی است. این‌گونه افراد احتمال بیشتری دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند و قدرت کم‌تری در کنترل امیال و تکانه‌ها داشته باشند. مطالعات جدیدتر نشان می‌دهند که خصوصیات روان آزرده خویی پیش‌بینی کننده افسردگی و ناپایداری هیجانی است

۱ Haren and Mitchell
۳ donnelan
٤ conger
٥ bryant
٦ fisher & mcnunlty
٦ Caughlin,Huston& Houts

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

(روبین، کاسپی و موفیت[۱]، ۲۰۰۲) که همین پیامدها با سلامت روان ضعیف ارتباط دارد (علی پور، ۱۳۹۳). این نوع رفتارها موجب می‌شود که زوج‌ها قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و از درجه سازش ضعیف‌تری برخوردار باشند. هرقدر میزان نوروز گرایی در هر یک از زوج‌ها بیشتر باشد رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می‌دهد و چنین رفتارهایی سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهد (احدی، ۱۳۸٦).

پژوهش‌های زیادی به نقش شخصیت در رضایت زناشویی و نارضایتی زناشویی پرداخته‌اند و همگی به اهمیت شخصیت در ارتباطات زناشویی اذعان داشته‌اند. همسران وظیفه‌شناس کمتر ممکن است انتقاد از همسر را برانگیزانند که درنتیجه میزان و یا شدت تعارضات زناشویی را کاهش می‌دهد. وظیفه‌شناسی کمتر ایجاد تعارض می‌کند، چراکه این افراد عموم مسئولیت‌پذیر، مورداطمینان و سخت‌کوش هستند (هولکین[۲]، مدنی و لواسانی، ۲۰۱۵)، این مدل شخصیتی با عواملی مانند پذیرش بالا می‌تواند منجر به توجه بیشتر به جنبه‌های مثبت همسر بشود و این خود عاملی در جهت افزایش رضایت زناشویی است، حتی این ویژگی با طلاق عاطفی کمتر نیز ارتباط دارد (تاواراس و آسوه[۳]، ۲۰۱۳).

سازگاری با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و با تعارضات زناشویی همبستگی منفی دارد همسو است. این عامل با خوش‌قلب بودن، دلسوز بودن، موجب و ساده‌دل بودن همراه است. افرادی که در این عامل نمره بالایی می‌گیرند دارای حس همکاری، کمک‌کننده، فداکار، درستکار و ازخودگذشته‌اند. این افراد بیشتر سازگار هستند و مقبولیت، تعاون و اعتماد و بخشندگی را میان زوجین افزایش می‌دهد (دونلن و همکاران،۲۰۰٤)؛ شخصیت به شالوده روان‌شناختی رابطه پایدار کمک می‌کند و پیش‌بینی کننده‌ی موفقیت یا شکست رابطه است، مشکلات شخصیتی جز پنجمین عامل طلاق است که توسط ۱۰

۱ Robins, Caspi, Moffitt
۲ Holekian
۳ Tavares & Aassve

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

درصد افراد جداشده به‌عنوان یکی از دلایل جدایی مطرح گردیده است (رادریگیوز، هال، بوفالو و فینچمن[۱]، ۲۰۰۹).

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر توانایی پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک هویت اطلاعاتی بود که همسو با مطالعات برزونسکی و آدامز، ۲۰۰٦؛ دانشورپور، غنایی، شکری و زین آبادی (۱۳۸٦) است سبک هویت اطلاعاتی با روابط بین فردی پخته‌تر همراه است که این ویژگی‌ها با دلپذیر بودن همراه‌اند. به‌علاوه ازآنجاکه تحقیقات انجام‌شده بر اساس مدل مارسیا نیز گزارش می‌کنند که وضعیت هویت موفق با افسردگی و اضطراب پایین (کرامر[۲]،۲۰۰۰) و عزت‌نفس بالا (برزونسکی،۲۰۰۳) همراه است در تبیین این یافته باید گفت افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را به کار می‌گیرند، دارای تعهدات قویی‌تری نسبت به افراد دارای سبک هویت مغشوش/اجتنابی هستند، از طرفی افراد باوجدان نیز واجد صفاتی چون وظیفه‌شناسی و خویشتن‌داری و کفایت هستند. ازآنجاکه به نظر می‌رسد تعهد با این صفات ارتباط داشته باشد، بنابراین بالا بودن وجدان در افراد دارای دو سبک اطلاعاتی و هنجاری، خیلی دور از انتظار نیست افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، ازآنجایی‌که فعالانه به جستجو و پردازش اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، درگیر فرایند خود کاوشگری فعال هستند و گرایش به اندیشمند بودن دارند، در مورد مفاهیم مربوط به خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشوده هستند، سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارد و موجب کاهش تعارضات می‌شود (برزونسکی،۲۰۰۳). سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مستقیمی با رضایت زناشویی دارد (رفاهی، بهمنی، نیری و نیری، ۲۰۱۵).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌تواند به ابزار گردآوری داده‌ها، استان نمونه‌گیری و محدوده سنی اشاره کرد که امید است در پژوهش‌های آینده موردبررسی قرار گیرد. از

۱ Rodrigues, Hall, Buffalo, Fincham
۲ Cramer

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در جهت ارائه مشاوره‌های تخصصی پیش از ازدواج و بعد از ازدواج بهره گرفت، بدین منظور پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مداخله‌ای و مشاورهای، سبک‌های هویتی و شخصیت به‌عنوان ملاک‌های مهمی در نظر گرفته شوند که لزوم توجه هر چه بیشتر را می‌طلبند

منابع

احدی، بتول (۱۳۸٦). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. مجله روان‌شناسی معاصر. دوره دوم. شماره ۲,۳۱

ثنائی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.

حسینی نسب، داود. پور شریفی، حمید. محمدی، ویدا. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با انواع هویت در دانش‌آموزان دختر سوم راهنمایی شهر تبریز سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، مجله علوم تربیتی جهاد دانشگاهی، شماره ٦، تابستان

دانشورپور، زهره. غنایی، زیبا. شکری، امید. رضا زین آبادی، حسن، (۱۳۸٦)، پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸٦.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت: کاربرد تحلیل عوامل در مطالعات شخصیت. تبریز: جامعه پژوه.

محمدی، شهناز؛ مقصودی، منیژه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی در کارکنان زن. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی. دوره سوم، شماره ۹، ۸۷-۷٤.

محمدی، شهناز؛ محمود نیا، علیرضا. (۱۳۸۹). رابطه بین پنج عامل اصلی شخصیت و فرسودگی شغلی در میان مشاوران. دوره دوم، شماره ٤، ۱۱٤-۹۸

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

محمدی، شهناز. (۱۳۸٦). ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی دبیران مرد و زن شهر تهران. روانشناسی کاربردی، (۳)، ۱: ۲٦۹– ۲۸٤

علی پور، فرشید. سعید پور، صابر. حسنی، جعفر. (۱۳۹٤). بررسی هیجان خواهی در افراد مبتلابه اعتیاد جنسی، اعتیاد به محرک‌ها، اعتیاد به مواد افیونی و افراد بهنجار. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲۵ (۱۲۵):۱۳۵–۱۳۸.

علی پور، فرشید. محمدی، شهناز. (۱۳۹٤). نشخوار فکری و نشانه‌های اضطراب و افسردگی در سه گروه از افراد با اختلال لکنت زبان، اضطراب اجتماعی و بهنجار. مجله روانشناسی کاربردی (زیر چاپ).

علی پور، فرشید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی باورهای فراشناختی و تنظیم شناختی هیجان با سلامت روان در زنان دارای اختلال اعتیاد به مواد افیونی. مجموعه مقالات هشتمین کنگره بین‌المللی دانش اعتیاد.٤۳–٤۱.

Arbona, C., & Power, T. G. (2003). Parental attachment, self-esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican American adolescents. *Journal of counseling psychology*, 50(1), 40-51.

Arciszewski, T., Berjot, S., & Fines, L. (2012). Threat of the thin- ideal body image self-discrepancies and behavioral intention. *Body image*, 5, 334-341.

Bartholomew, k., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of personality and social psychology*, 61(2), 226-244.

Bayrami, M., Heshmati, R., Mohammadpour, V., Gholomzadeh, M., Hasanloo, H., & Moslemifar, M. (2012). Happiness and willingness to communicate in three attachment styles: A study on college students. *Procedia- Social and behavioral sciences*, 46, 294-298.

Borkoles, E., Polman, R., & Levy, A. (2010). Type D personality and body image in men: The role of exercise status. *Body image*, 7, 39-45.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

Chotai, J., Jonasson, M., Hagglof, B., & Adolfsson, R. (2005). Adolescent attachment styles and their relation to the temperament and character traits of personality in a general population. *European psychiatry*, 20, 251-259.

Denollet, J., Vrints, C. J., & conraads, V. M. (2008). Comparing type D personality and older age as correlates of tumor necrosis factor-α dysregulation in chronic heart failure. *Brain, Behavior and Immunity*, 22, 736-743.

Dhal, A., Bhatia, S., Sharma, V., & Gupta, P. (2007). Adolescent self-esteem, attachment and loneliness .*Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*, 3(3), pp.61-63.

Emmanuelle, V. (2009). Inter-relationships among attachment to mother and father, self-esteem and career indecision. *Journal of vocational behavior*, 75, 91-99.

Emons, H. M. W., Meijer, R. R., & Denollet, J. (2007). Negative affectivity and social inhibition in cardiovascular disease: Evaluating type D personality and its assessment using item response theory. *Journal of psychosomatic research*, 63, 27-39.

Gillath, O., Bunge, S. A., Shaver, P. R., Wendelken, C., & Mikulincer, M. (2005). Attachment- style differences in the ability to suppress negative thoughts: Exploring the neural correlates. *NeuroImage*, 28, 835- 847.

Gomez, R., & Mclaren, S. (2007). The inter- relations of mother and father attachment, self-esteem and aggression during late adolescence. *Aggressive Behavior*, 33, 160-169.

Goossens, L., Braet, C.,Bosmans,G., & Decaluwe,R. (2011). Loss of control over eating in preadolescent youth: the role of attachment and self- esteem. *Eating behaviors*, 12289-295.

Huis in't veld, E.M.J., vingerhoets, AD.J.J.M, & Denollet,J.(2011). Attachment style and self- esteem: the mediating role of type D personality. *Personality andindividual Differences*, 50, 1099-1103.

Martin, L. A., Doster, J. A., Critelli, J. V., Lambert, P. L., Purdum, M., Powers, C. et al. (2010). Ethnicity and Type D personality as predictors of heart rate variability. *International Journal of psychophysiology*, 76, 118–121.

McCormick, C. B., & Kennedy, J. H. (1994). Parent- child attachment working models and self seteem in adolescence. *Journal of youth and adolescence*, 23(1), 1-18.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

Memmersteeg, P. M., Kupper, N., & Denollet, J. (2010). Type D personality is associated with increased metabolic syndrome prevalence and an unhealthy life style in a cross- sectional dutch community sample. *BMC Public Health*, 10, 2-11.

Mols, F., & Denollet, J. (2010). Type D personality in the general population: A systematic review of health status, mechanisms of disease, and work related problems. *Health andquality of lifeoutcomes*, 8(9), 2-10.

Mols, F., Thong, M. S. Y., Van de poll- franse, L. V., Roukema, J. A., & Denollet, J. (2012). Type D (distressed) personality is associated with poor quality of life and mental health among 3080 cancer survivors. *Journal of affective disorders*, 136, 26-34.

Muris, P., Meesters, C., Melick, V. M., & Zwambag, L. M. (2001). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personalityand Individual differences*, 30, 809-818.

Noftle, E. E., & shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of research inpersonality*, 40, 179-208.

Paterson, J., Pryor, J., & Field, J. (1995). Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspects of self-esteem. *Journal of youth and adolescence*, 24(3), 365-376.

Philip, J. C., & Gerald, M. (2009). *Personality psychology*. In M. Mikulincer & P. R. Shaver (Eds), Attachment theory: II. Developmental, psychodynamic and optimal-functioning aspects (pp. 247-257). Cambridge, New York: Cambridge University Press.

Pietromonaco, P.R., & Feldman Barrett, L. (2006). What can you do for me? Attachment style and motives underlying esteem for partners. 40, 313-338.

Schiffer, A. A., Smith, O. R. F., Pedersen, S. S., Widdershoven, J. W., & Denollet, J. (2010). Type D personality and cardiac mortality in patients with chronic heart failure. *International Journal of cardiology*, 142, 230-235.

Troisi, A., Alcini, S., Coviello, M., Nanni, R. C., & Siracusano, A. (2010). Adult attachment style and social anhedonia in healthy volunteers. *Personality and individual differences*, 48, 640-643.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]

Van denbroek, K. C., Smolderen, K. G., Pedersen, S. S., & Denollet, J. (2010). Type D personality mediates the relationship between remembered parenting and perceived health. *Psychosomatices*, 51(3), 216-224.

Wilkinson, R. B. (2004). The role of parental and peer attachment in the psychological health and self-esteem of adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 33(6), 479-493.

Wongpakaran,T., wongpakaran,N., & wedding,D. (2012). Gender differences, attachment styles, self-esteem and romantic relationships in Thailand. *International Journal of intercultvralRelations*, 36, 409-417.

Wu, C. H. (2009). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Personality and individual differences*, 47, 42-46.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-04]